

# زندگی هماهنگ با طبیعت از نظر سه فیلسوف رواقی سنا، اپیکتتوس و مارکوس اورلیوس

محمدجواد اسماعیلی<sup>۱</sup>، سینا مشایخی<sup>۲</sup>

## چکیده

«زندگی هماهنگ با طبیعت» شعار اصلی فلسفه رواقی است. همچنین این مفهوم پیوند میان طبیعت و اخلاق را در آراء رواقیان بخوبی نمایان میسازد. تحقیق در باب ریشه‌های این مفهوم در آراء رواقیان از «زنون کیتیومی» مؤسس مکتب رواقی تا «مارکوس اورلیوس» آخرین فیلسوف رواقی، از بسط یافتن گستره معانی «هماهنگی با طبیعت» حکایت دارد: (۱) طبیعت فردی، بمعنای هماهنگی با قوه عاقله؛ (۲) طبیعت کلی، بمعنای هماهنگی با تقدیر و اموری که در اختیار ما نیستند؛ (۳) طبیعت اجتماعی، بمعنای هماهنگی با اجتماع و قوانین اجتماعی. جالب توجه است که در اخلاق رواقیان برای هرکدام از این گستره‌ها، از اصطلاحات ناظر به طبیعت استفاده شده است؛ بعنوان مثال، مفاهیم صیانت ذات، مهربانی، عقل سلیم و مشیت الهی در جهان. مسئله اصلی در این تحقیق، کارکردهای «زندگی هماهنگ

۱۵۵

۱. استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ esmaeili@irip.ir

۲. کارشناس ارشد فلسفه اخلاق (نویسنده مسئول)؛ okr1362@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۶/۲



با طبیعت» در اخلاق رواقی است. از اینرو، بررسی ما در آراء سه فیلسوف رواقی - سنکا، اپیکتوس و اورلیوس - بر پایه منابع موجود از ایشان، صورت گرفته است. در پایان نیز بعنوان نتیجه‌گیری چنین خواهد آمد که تلاش رواقیان، بخصوص این سه فیلسوف، در جهت تأکید بر مفهوم رواقی «زندگی هماهنگ با طبیعت» برای ایجاد پیوند میان نظم درون انسان و نظم کل طبیعت و اجتماع است، زیرا در فلسفه رواقی، انسان جزئی از کل است و با این ارتباط میبایست به هماهنگی و سعادت خود، اجتماع و کل کمک کند.

**کلیدواژه‌ها:** رواقیان، زندگی هماهنگ با طبیعت، صیانت ذات، سنکا، اپیکتوس،

اورلیوس

\* \* \*

#### مقدمه

در نوشتار حاضر مفهوم هماهنگی با طبیعت براساس آراء رواقیان متأخر - سنکا، اپیکتوس<sup>۱</sup> و مارکوس اورلیوس<sup>۲</sup> - بررسی میشود. مهمترین دلیل برای بررسی مفهوم هماهنگی با طبیعت، تأکید ویژه رواقیان بر این مفهوم در اخلاق و نقش آن در فهم اندیشه‌های این سه فیلسوف است؛ اینکه فلسفه در عمل، نقش کلیدی در اندیشه‌های رواقیان ایفا کرده و رواقیان توانسته‌اند با استفاده از توانمندیهای استدلالی فلسفه نظری چون مفهوم هماهنگی با طبیعت، برای ساختارمند کردن و توجیه عقلانی اخلاق عملی سود ببرند.

بررسی این بحث در آثار رواقیان متأخر بویژه سنکا، اپیکتوس و مارکوس اورلیوس، ناظر به منابع نسبتاً کامل از این سه فیلسوف است که هم اکنون در دسترس ما قرار دارد: از سنکا بیش از ده اثر مرتبط با فلسفه که *نامه‌های اخلاقی* به <sup>۱۵۶</sup> لوسیوس<sup>۳</sup> و *مسائل طبیعی*<sup>۴</sup> از مهمترین آنهاست. از اپیکتوس نیز *دستنامه*<sup>۵</sup> و چهار

1. Lucius Annaeus Seneca (c. 4 BCE-CE 65)
2. Epictetus (AD 55-AD 135)
3. Marcus Aurelius (26 April 121 AD-17 March 180 AD)
4. *Epistulae Morales ad Lucilium* (Moral Letters to Lucilius)
5. *Naturales Quaestiones* (Natural Questions)
6. *Enchiridion*

